

## یک باند مخوف و خطرناک تبلیغ کننده تقلب دستگیر شدند

معاون اجتماعی پلیس فتا در گفت و گو با خبرگزاری ایرنا گفت:برابر رصد‌های صورت گرفته در فضای مجازی اعضای دو باند تبلیغ تقلب و دسیسه در امتحانات نهایی دانش آموزان و دانشجویان که در پیام رسان تلگرام و شبکه های اجتماعی اینستاگرام تبلیغات می کردند مورد شناسایی قرار گرفتند و پس از کسب مجوز قضائی دستگیر و جهت سیر مراحل قانونی تحویل مقامات ذی صلاح شدند. پیگیری تقلب در این روزهایی که آموزش به صورت آنلاین و مجازی صورت می‌گیرد از مراقبین مدرسه به پلیس فتا رسیده است.

## درباره مجید که در «صبح روز بعد...»، دلهره بسیاری از دانش آموزان را نمایندگی می‌کرد

# چه کابوس‌هایی می‌آیند



**علی رستگار**  
.....  
روزنامه‌نگاری  
که همین‌که قرار  
نیست هر صبح به  
مدرسه برود، کافی  
است تا احساس  
خوشبختی کند

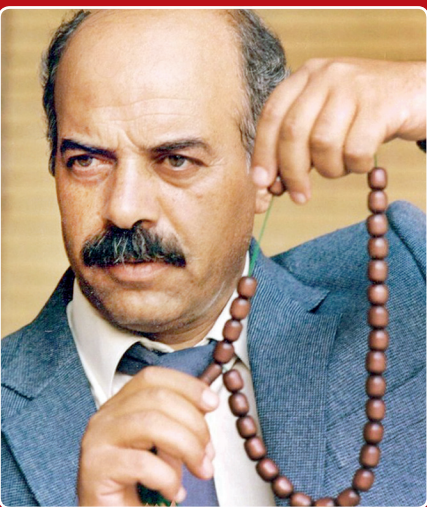
اگر بدم‌آموزی نباشد، یکی از خوشبختی‌های هر روزه من این است وقتی از خواب بیدار می‌شوم، خبری از درس و مدرسه و امتحان نیست. با این‌که در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و تا حدودی دبیرستان، جزو شاگرد زنگ‌ها بودم و نمرات بالایی در بیشتر درس‌ها می‌گرفتم و خاطرات خوبی هم از دوستان و همکلاسی‌ها و بسیاری از معلم‌های عزیز دارم اما واقعا چه اصراری است به تکرار و مرور آن روزها و سال‌ها و با وجود عطش

آموختن، ترجیح می‌دهم اجباری تکالیفم، سمت و سویی غیر از درس و مدرسه و تخته‌سیاه داشته‌باشد.

حتما مجید «قصه‌های مجید» و به‌ویژه فیلم «صبح روز

بعد...» (به کارگردانی کیومرث پوراحمد که براساس سه قصه از هوشنگ مرادی‌کرمانی روایت شد) هم حالا با هر حال و روز و شغل و مسؤولیتی، محال است سودای تکرار دوران مدرسه و تداعی کابوس‌وار آن، به خصوص درس شیرین ریاضی را داشته‌باشد. همان درسی که معلمش با کوچک‌ترین بهانه‌ای، مدام مجید را پای تخته می‌کشاند و به جای اهلی‌کردن و ایجاد علاقه ریاضی در مجید، شاگرد بیچاره را مضطرب و هراسان می‌کرد. یادتان هست که استفاده از تسبیح و انداختن دانه‌های آن، چه هول و ولایی به دل مجید می‌انداخت؟ مجیدی که شیفته قصه و ادبیات بود و از هر فرصتی برای خواندن بهره می‌برد و مثل من و خیلی از دانش‌آموزان دیگر میانه‌ای با حساب و کتاب و ریاضیات نداشت.

«صبح روز بعد...» محصول ۱۳۷۱ خلیی حال درس و مدرسه و امتحان دارد و با قصه خوب مرادی‌کرمانی، کارگردانی



پوراحمد و به‌ویژه تجربه‌اش از دستپاری عباس کیارستمی در یک فیلم درجه‌یک با حال و هوای مدرسه یعنی «خانه دوست کجاست؟» و بازی‌های خوب مهدی باقری‌بیگی (مجید) و جهانپخش سلطانی (ناظم)، در یاد مانده و هنوز هم کار می‌کند و مهر تاییدی بر ترس‌های دانش‌آموزی و برخی نقاط تاریک نظام آموزشی می‌زند. فیلم با نام‌هایی از پژواک صدای قدم‌های دلهره‌آور ناظم در راهروهای خلوت یک مدرسه بزرگ و قدیمی شروع می‌شود و بعد از یکی دو پلان از تسبیح‌های آویزان در یک مغازه. که بعدا به کارکرد آن در قصه پی می‌بریم. به نامی از مجید و همشاگردی‌های دیگرش روی صندلی‌های فلزی و تاشوی قدیمی می‌رسیم که در پاسخگویی به سوالات امتحان، بلانسبت مثل چیز در گِل، گیر کرده‌اند؛ وضعیتی به‌غایت آشنا برای انبوه دانش‌آموزان دیروز. در همین چند نمای کوتاه، وضعیت ابزورد دانش‌آموزان که برای گریز از لحظه اکنون امتحان،



به لطایف‌الحیل متعددی پناه می‌برند، به‌خوبی نشان داده می‌شود. باز مثل همین فیلم، یادمان نرفته که هر حرکت معلم‌ها و مراقب‌ها از جمله خوردن و آشامیدن‌شان و حتی سکوت و هیس‌گفتن‌های مدام‌شان، چطور تمرکز دانش‌آموزان را برای اندکی آسودگی و آرامش و یادآوری خواننده‌ها و نخواننده‌ها و خدای ناکرده تقلب، برهم می‌زند! آن سه نقطه بعد از کلمات «صبح روز بعد» در عنوان فیلم، به‌خوبی دلهره دائمی مجید را نشان می‌دهد و ترس و استرس همواره‌اش برای بی‌اطلاعی از فردا را تشدید می‌کند؛ این‌که باوجود استعدادش در نوشتن و علاقه بی‌حد و حصرش به خواندن و ادبیات، آیا تنها او را با متر و معیار ریاضی، می‌سنجند و دوباره به چوپ تنبیه می‌رانند؟ با این وصف، حتما یکی از خوشبختی‌های هر روزه مجید در این روزها این است وقتی از خواب بیدار می‌شود، خبری از درس و مدرسه و امتحان نیست.

### فصل امتحانات

پادکست پیاده‌رو در اپیزودی با نام «فصل امتحانات» يك نمايشنامه رادیویی را در اپلیکیشن شنوتو برای شنوندگان اجرا کرده است. داستان مادری که درگیر امتحان فرزندش است و مدام می‌خواهد برای او برنامه‌ریزی کند و در این راه با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شود.

### سبکتو

سبکتو، پادکستی است که در قسمت‌های کوتاه تولید می‌شود و در هر قسمت يك موضوع معمولا برآمده از دل يك کتاب را با مخاطب درمیان می‌گذارد که می‌تواند تغییر مثبتی در سبک زندگی مخاطب ایجاد کند. سبکتو، اپیزود مربوط به امتحان زیاد دارد اما یکی از کاربردی‌ترین آنها اپیزودی است با نام «چطور شب امتحانی درس بخوانیم؟» که می‌تواند به کمک دانش آموزان و دانشجویان تیل شب امتحانی بیاید!

### تا ۲۰

پادکست تا ۲۰ همان‌طور که از نامش پیداست، پادکستی است برای نوجوانان تا ۲۰سال که در هر قسمت به موضوعی که این نوجوانان با آن درگیر هستند، می‌پردازد. این پادکست هم اپیزودهایی که به درد امتحانات بخورد، کم ندارد اما یکی از آنها اپیزودی است با نام «خرداد، امتحانات، جام جهانی» که سه سال پیش با تقارن جام جهانی و امتحانات خرداد تولیدشده اما امکان شنیدنش خالی از لطف نیست.

### آشپزباشی

توقع ندارید که پادکست آشپزباشی درباره مبانی فلسفه باشد؟! خب از اسمش پیداست که درباره آشپزی است اما ارتباطش با امتحانات چیست؟ این پادکست يك اپیزود دارد به اسم «تغذیه مناسب روزهای امتحان» که می‌تواند به شما در امتحانات کمک کند، البته نه به‌اندازه درس خواندن!

## فرقی نمی‌کند یک هوادار تقلب یا یک متقلب حرفه‌ای باشید؛ ما اینجا شما را با آخرین ابزار تقلب و ضد تقلب در دنیا آشنا می‌کنیم

# جنگ بین المللی مراقب و متقلب



**علی گنجی**  
.....  
دانشجویی که  
شیوه‌های تقلب را به  
خارج از مرزها برده

کسی به من شک نمی‌کرد. این مهم‌ترین کلید بود برای پنهانکاری و تقلب. درست مثل قاچاقچی که ترس از مأمور او را رسوا می‌کند، متقلب هم از ترس دستگیری و لو رفتن، خودش را لو می‌دهد. من اما خونسرد بودم. نقش بیجه‌درس‌خوان‌ها را بازی می‌کردم و احدی به من شک نمی‌کرد. اول از همه جای درست را در سالن امتحان انتخاب می‌کردم. هیچ‌گاه به نیمکت‌های آخر نمی‌رفتم. می‌دانستم آنجا شکارگاه اصلی مراقبین برای دستگیری هرچور تقلبی است. می‌رفتم و می‌نشستم روی صندلی مراقب، جلوی کلاس. می‌دانستم که روی صندلی‌اش بند نمی‌شود و برای مچ‌گیری به انتهای کلاس می‌رود و از قضا، صندلی جلویی و چسبیده به نگهبان، بهترین جا برای فرار است. شیوه تقلب را هم ساده انتخاب می‌کردم. چند ورق ریز نوشته‌شده در جامدادی که همان اول امتحان زیر

## پدآفند ضد تقلب

همان‌طور که افرادی در پی دور زدن قانون و مراقب‌های امتحانی‌اند، عده‌ای هم در پی رسوایی‌شان یا به میدان گذاشته‌اند. احتمالا همان‌هایی که در دوران مدرسه، وسط جلسه امتحان دست بالا می‌کردند و داد می‌زدند که آقا فلانی از ما تقلب می‌خواهد، اکنون برای انتقام سعی دارند جلوی هر تقلبی را بگیرند. گرفتن تقلب از همان مدارس سخت‌تر شده و فقط یک مراقب امتحانی تیزبین کافی نیست. هادی که در یک مدرسه نمونه دولتی درس می‌دهد برام تعریف می‌کرد که قبل از هر جلسه امتحان حدود نیم‌ساعت دنیال تقلب می‌گردند. به این صورت که اول همه لوازم‌التحریر دانش‌آموزان را جمع می‌کنند و موظف‌شان می‌کنند که فقط با یک خودکار امتحان بدهند. بعد هم ساعت‌ها را از مچ‌شان باز می‌کنند تا بچه پولدارهایی که به دلگرمی ایل واچ و ساعت هوشمند یا به میدان گذاشته‌اند رسوا شوند. این اواخر عینک‌های واقعیت مجازی گوگل هم برایشان دردسر شده و فقط به آنهایی اجازه عینک‌زدن می‌دهند که مطمئن باشند عینکی هستند. دانشگاه‌ها هم



## دوران تاریخی کرونا بهشتی برای متقلب‌ها

اگر همه از رنج بیماری و آمار کشته‌ها ناله کنند، تقلب‌کارها بهترین دوران را در پاندمی کرونا تجربه کردند. آن‌قدر شیرین که عده‌ای از دانش‌آموزان اصفهانی زمانی که فهمیدند امتحانات قرار است حضوری باشد و تقلب آنلاینی در کار نیست، سریع تجمع برگزار کردند که مانع پایان دوران خوشی‌شان شوند. گاردین هم در گزارشی از افزایش ۳۸۰ درصدی تقلب در دوران کرونا خبر داده. جنگ بین متقلبین و مراقبین در این دوران به اوج خودش رسید. دانشگاه کارولینای شمالی از یک هوش مصنوعی پیشرفته که از طریق دوربین امتحان‌دهنده کار می‌کرد، رفتار دانشجویان را تحلیل می‌کرد و بدون دخالت مراقب، دست ۳۰۰ متقلب را در امتحانات اقتصاد دانشگاه خود رو کرد. امتحانات آنلاین که راه تقلب را برای بسیاری دانشجویان و دانش‌آموزان باز کرده، به آنجا رسیده که دانشگاه‌هایی در یونان تصمیم گرفته‌اند روی مدرک کسانی که در دوران کرونا فارغ‌التحصیل می‌شوند بنویسند «مدرک کرونایی». البته استادان از شیوه‌های زیادی چون روشن بودن دوربین، نصب دوربین اضافه در اتاق دانشجو و باز بودن میکروفن استفاده کرده‌اند تا جلوی تقلب را بگیرند اما موفق نبوده‌اند. بازار تقلب‌رسانی هم در کنار فروش تجهیزات جاسوسی و نرم‌افزارهای تقلب بسیار رشد کرده. امیر، از همکلاسی‌هایی که بیوشیمی بالینی را در دانشگاه خوانده از معروف‌های این روزهای دانشگاه‌های علوم پزشکی است و برای پرتشکان و پرستارانی که حوصله خواندن فرمول‌های بیوشیمی ندارند کمک رسانده و به گفته خودش تا امروز یک پراید کاسب شده. نبرد بی‌پایان آنهایی که امتحان دور می‌زنند با استادها، همین روزها بعد از تزریق سراسری واکسن به دانشجویان و استادان، احتمالا به پایان می‌رسد و تقلب‌ها باز می‌گردد به دوران امتحانات حضوری. البته استاد‌های بسیاری منتظرند و تشنه انتقام برای جبران دو سال امتحانات غیرحضوری.

## تکنولوژی در خدمت متقلب

انتهای تقلب ما، همان چند کاغذ مجاله بود که هنر می‌کردیم و با اتود ۵/۵ می‌نوشتیم که مطلب بیشتری جا شود و البته چشم‌هایمان موقع خواندنش نیم نمره ضعیف‌تر می‌شد. در سال ۲۰۲۱ اما تقلب کردن تبدیل به یک بازار شده و از هر صنعت دیگری بیشتر رشد کرده. می‌دانستید حدود ۱۵ شرکت معروف وجود دارد که فقط مختص تولید تجهیزات تقلب در امتحانات هستند؟ شرکت‌هایی مثل «مونوورین» ابزارهایی تولید می‌کنند برای تلب‌هایی که حوصله درس خواندن ندارند اما پول به اندازه کافی دارند تا بتوانند پله‌های ترقی و تحصیل را دوتا یکی طی کنند. آخرین سری این ابزارها، نوعی گوشی‌های جاسوسی است که حدود ۲۰۰۰ یورو قیمت دارد. شیوه کارکردش هم به این گونه است که دو عدد آهن‌ربای بسیار ریز که هرکدام قد یک دانه ارزن است را در گوش خود می‌اندازید.

این آهن‌رباها به پرده گوش شما می‌چسبد و از طریق یک فرستنده که به گردن‌تان آویزان می‌کنید، ارتعاش‌هایی را تولید می‌کند که همان امواج صوتی است. انگار یک هدفن در گوش دارید که کسی نه آن را می‌بیند و نه صدایش را می‌شنود.

خود دستگاه هم به موبایل‌تان وصل است و کافی است قبل از امتحان یک تماس بگیرید و آن طرف خط، همیار تقلبی که انتخاب کرده‌اید، جواب سوالات را در گوش شما بخواند. از لوازم جانبی این دستگاه هم یک‌سری دکمه است که در واقع دوربین هستند تا بتوانید در صورت لزوم از سوالات عکس بگیرید. اگر از دکمه خوش‌تان نیامد، خودکارها و عینک‌هایی را تولید کرده‌اند

که مجهز به دوربین و میکروفن هستند تا با خودتان سر جلسه ببرید و ماموریت غیرممکن را به سرانجام برسانید. اگر با این تجهیزات مدرن و جاسوس‌بازی‌ها نتوانستید امتحان را به سرانجام برسانید، تحصیل را فراموش کنید. برای فارغ‌التحصیلی یا باید خوب درس بخوانید یا خونسرد تقلب کنید و دستگیر نشوید.

